ضرورت تفکیک بین مواضع تبرّی، تقیّه، ابراز مشترکات

شاگرد: قضیه ریختن ساختار که برای ما من‌تفی است اما گاهی می‌شود که یک شخصی برای کسی جلوه دارد و خیلی به او اعتقاد دارد و شخص دیگری هم نداریم که جای او بگذاریم، از طرفی می‌دانیم که ممکن است انحرافات جزئی داشته باشد، لذا نقد کردن او مساوی با فرو ریختن شخصیت او است. مثلاً فرض کنید شخصی از یک نفر کامل تبعیت می‌کند. اگر او را خراب کنیم همین شکستن اتفاق می‌افتد. آیا در اینجا هم صادق است؟

استاد: بله، این هم مطلب بسیار خوبی برای بسیاری از مخاطبین است. مثلاً من طلبه را فرض بگیرید. کسی آمده طوری با من رفیق شده و من را قبول دارد که من به‌عنوان یک طلبه، دین او شده‌ام. شما می‌فهمید که من خیلی بی‌خودی هستم. اگر شما من را نزد او بشکنید به این معنا است که دین او را از بین برده‌اید. اینجا جایز نیست. چون الآن در شرائطی است که من را تبلور دین می‌بیند، نماینده دین می‌بیند، تجسم دین می‌بیند. حرام است که شما من را نزد ذهن او بشکنید. اینجا من را حفظ می‌کنید حفظاً لدینه. اما یک وقتی است که در یک فضایی نقد زیاد است. می‌توانید از کلام دیگران هم شاهد بیاورید. نگذارید که از ابتدا او به من اطمینان کند. آن جا دیگر اشکالی ندارد. اگر علی الفرض طوری شده که کسی، شخصیتی، دین او شده؛ مثال دیگر آن را عرض کنم؛ فرض بگیریم کسی است که اگر در ذهنش خلیفه دوم را تخریب کردید، برابر با این است که قرآن و اسلام را کنار می‌گذارد. از پیامبر فاصله می‌گیرد. جایز است این کار را بکنید؟! از علماء استفتاء کنید. یعنی به‌طور قطع بعداً اعتقادش از پیامبر سلب می‌شود. جایز است؟! شما برای اینکه عمر را تخریب کنید او را از پیامبر دور کنید. فرض گرفتیم این ملازمه قطعی است؛ دیگر مسیحی ای یهودی می‌شود. اینجا حرام است. شما نمی‌توانید به واسطه تخریب کردن خلیفه ثانی بگویید که اینجا هیچ فرقی ندارد. پیامبری که تو داری که همراه با عمر است، این هیچ است. این جور نیست. این‌ها یک عباراتی است که وقتی شخص پخته شد می‌بیند که خلاف مرام روشن خود اهلبیت علیهم‌السلام است. مرتاب ایمان؛ مثل اینکه اگر خلیفه دوم را برای او تخریب کنید آتئیست می‌شود. از خدا دست بر می‌دارد. شما بگویید بردارد! خدایی که همراه خلیفه ثانی باشد که خدا نیست! اینجا یک لفظی می‌گوییم، در شرائطی که پشتوانه بیانات خود ثقلین را ندارد.

آن آقا دیروز می‌گفت از یک کتاب به کسی که مدتها در این رشته تحقیقی صدها کتاب خوانده بود یک جمله‌ای را دادم. وقتی این را به او دادم تعجب کرد که ندیدم. یعنی نقص همه ما کار ما این است که به روایت اهل البیت علیهم‌السلام انس نداریم. روایات یک بخش را مدام تأکید کرده‌ایم و گفته ایم اما روایات بخش‌های دیگر را ای ندیده‌ایم ای در ذهن ما فعال نیست. این نقص کار است. ما باید هر چه را فرمودند در ذهنمان حاضر باشد و جای آن را تشخیص دهیم. جای ابراز شدید برائت کجا است؟ جای تقیه کجا است؟ جای ابراز مشترکات کجا است؟ «تَعالَوْا إلی كَلِمَةٍ سَواءٍ بَيْنَنا وَ بَيْنَكُمْ[1]»؛ این جایی ندارد؟! قطعاً جا دارد. اینجا الآن جای این است. اما بیایید و بگویید

«کلمة سواء» یعنی چه؟! کلمه‌ای که با او باشد و تحت پرچم او باشد، که‌ـ«ال کلمه» است. اینطور نیست. خلاف واضحات شرع است.
حاج آقای بهجت از شخصی زیاد می‌فرمودند و از سلیقه او تجلیل می‌کردند. خیلی عجیب است! می‌گفتند یک آقایی طرف هند و بنگلادش رفت، دید همه آنها می‌گویند که مسلمان هستیم اما از نماز و ... خبری نیست. اصلاً نمی‌دانند که نماز چیست. گفت من چه کار کنم؛ به آنها بگویم در روز پنج وقت بایی‌دی؟! اینها که به من گوش نمی‌دهند. اول آمد نماز را سالیانه کرد. گفت فلان روز سال بایی‌دی؛ آمدند و نماز خواندند. سال بعد گفت شش ماه یک بار بایی‌دی. همینطور چهار ماه و ... تا آن را به روزانه رساند. حاج آقا می‌گفتند با چه زرنگایی این کار را کرد؛ کسانی که اصلاً نماز نمی‌خواندند را با این روش از سال و یک ماه و هفته به روزانه رساند. بعد همه آنها نمازخوان شدند. گفت که این شرع است و چاره‌ای نیست و باید بخوانی. حال می‌توانست به آنها بگوید.
شاگرد: بحث اختلاف قرائات برای حال این عوارض را ندارد؟
استاد: این هم فرمایش خوبی است. آیا بحث اختلاف قرائات در جو کنونی این عوارض را دارد یا ندارد؟ ما که پنج سال است مباحثه می‌کنیم آثارش درست برعکس است. یعنی وقتی آدم از جهان اسلام خبر ندارد، این طرفش به ذهنش می‌آید. وقتی خبردار می‌شود می‌بیند که اصلاً واقعیت برعکس است. حال من با مستندات روشن آن را توضیح می‌دهم. من نمی‌دانستم فردا هم می‌گویم؛ در سودان بالفعل رواج عمومی و رسمی و مملکتی، سه قرائت است. خیلی جالب است. یعنی دانشگاه‌های آنها و مصاحفشان سه جور قرآن رسمی در سودان چاپ کرده‌اند. کشور سودان از جاهایی بود که من اطلاع نداشتم. الآن که مستنداتش را آقا فرستادند فهمیدم. آدرس داده است. موسساتشان و اقداماتشان در سودان به این صورت است.

والحمد لله رب العالمین

---

[1] آل عمران ۶۴

بازبینی #1
ایجاد شده 3 ژوئیه 2026 14:24:48 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 ژوئیه 2026 14:25:57 توسط ... .